



Original Paper

Article History:

Received: 8 April 2024

Revised: 13 May 2024

Accepted: 11 June 2024

Published Online: 21 June 2024

Considering Medical and Psychological Indicators of Criminals in the Criminal Justice Process to Achieve Fair Trial

Razieh Sabzehali¹(Corresponding Author), Mahmood Ashrafy²

1. Department of Law, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-Mail: sabzeali97@gmail.com

2. Department of Law, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Abstract

The development of human personality usually occurs gradually and incremental. Investigating and studying people's backgrounds is vital to understanding their current situation. Therefore, focusing on the personality of criminals and recognizing the motivations that influence criminal behavior can lead us to the ultimate goal: Reforming and rehabilitating criminals, determining punishments that correspond with their character, and manifesting justice. Today, many psychologists are looking for the causes of criminal behavior in the personal characteristics of criminals. This research examines the attention given to the personality of criminals from the perspective of psychological teachings. From this perspective, examining the personal, mental, psychological, and physical characteristics of offenders and the factors affecting their formation can prevent recidivism, provide correction and refinement of offenders, and help eliminate the causes of crime. This approach also assists judicial authorities in enacting effective laws that consider psychological matters to improve the situation of criminals. The research method in this dissertation is descriptive and analytical, utilizing the library method to collect, analyze, and process information.

Keywords: Personality, offender, psychology, receptivity, correction.

Citation: Sabzehali, R.; Ashrafy, M. (2024). Considering Medical and Psychological Indicators of Criminals in the Criminal Justice Process to Achieve Fair Trial. Journal of Islamic Wisdom and Law, 1 (1), 98-109. Doi: 10.71844/iwl.2024.1195940

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. **Publisher: Islamic Azad University of Najafabad**





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
دوره ۱، شماره ۱، بهار - تابستان ۱۴۰۳
Sanad.iauiw.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1195940



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

توجه به شاخص‌های پزشکی و روانشناسی مجرمین در فرایند دادرسی کیفری در راستای تحقق دادرسی عادلانه

راضیه سبزه علی^۱ (نویسنده مسئول)، محمود اشرافی^۲

۱. گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sabzeali97@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

با توجه به اینکه تکوین شخصیت انسان به صورت تدریجی و در طول زمان صورت می‌پذیرد، مطالعه و بررسی سوابق افراد جهت پی بردن به وضعیت فعلی فرد نقش به سزایی ایفاء می‌نماید. فلذا توجه به شخصیت مجرم و شناخت انگیزه‌های موثر در وقوع جرم می‌تواند ما را در جهت رسیدن به متعالی‌ترین هدف که همانا اصلاح و تربیت مجرم و تعیین مجازات متناسب با شخصیت مجرم و تحقق عدالت است، رهنمون سازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و برای گردآوری ادبیات موضوع از روش کتابخانه‌ای و به طریقه‌ی فیش برداری از مطالب و تجزیه و تحلیل و پردازش مطالب استفاده شده است. امروزه بسیاری از روانشناسان علل رفتار جنایی را در شخصیت مجرم جستجو می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی توجه به شخصیت مجرم از منظر آموزه‌های روانشناسی صورت پذیرفته است چرا که از منظر روانشناسی توجه به ویژگی‌های شخصیتی، روحی و روانی و جسمانی مجرمین و بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت مجرمین می‌تواند زمینه پیشگیری از تکرار جرم، اصلاح و تهذیب مجرمین را فراهم نماید و سعی در برطرف نمودن عوامل مولد جرم نمود و مراجع قضایی را در راستای وضع قوانین کارآمد با توجه به مسائل روانشناسی در راستای ارتقاء وضعیت مجرمین باری رساند. از منظر آموزه‌های روان‌شناسی توجه به شخصیت مجرم بسیار حائز اهمیت بوده و زمینه را برای شناسایی حالت خطرناک مجرمان، میزان خطرناک بودن بودن بزه‌کار بر مبنای ماهیت جرم ارتكابی، اعتلای سطح بینش قضات، اتخاذ تصمیمات شایسته و منطبق با ابعاد شخصیتی مجرمین در جهت پیشگیری از تکرار جرم و بازگرداندن مجرمان به اجتماع فراهم می‌نماید.

کلمات کلیدی: شخصیت، مجرم، روان شناسی، بازپذیری، اصلاح.

نحوه ارجاع به مقاله:

سبزه علی، راضیه؛ اشرافی، محمود (۱۴۰۳). توجه به شاخص‌های پزشکی و روانشناسی مجرمین در فرایند دادرسی کیفری در راستای تحقق دادرسی عادلانه.

دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق، ۱ (۱)، ۹۸-۱۰۹، Doi: 10.71844/iwl.2024.1195940

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. **Publisher: Islamic Azad University of Najafabad.**



مقدمه

شاید بتوان شخصیت را اساسی‌ترین موضوع علم روانشناسی دانست زیرا محور اساسی بحث در زمینه‌هایی مانند انگیزه، عواطف، احساسات و مواردی از این قبیل دانست. به عبارتی موارد فوق‌الذکر اجزای تشکیل‌دهنده شخصیت به حساب می‌آیند. روانشناسان در تعریف دقیقی از شخصیت اتفاق نظر ندارند ولی در بحث از آن بیش از هر چیز به تفاوت‌های فردی توجه دارند یعنی ویژگی‌هایی که یک فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند.

گردن آلپورت^۱ روان‌شناس آمریکایی، در تعریف شخصیت می‌نویسد: «شخصیت سازمان پویایی از سیستم‌های روانی - بدنی فرد آدمی است که رفتار و افکار خاص او را تعیین می‌کند». (توزنده جانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

روانشناسی جنایی با تکیه بر اصول روانشناسی، ویژگی‌های روحی، روانی، جسمانی، رفتاری و عاطفی متهمان را مطالعه می‌نماید و سعی بر این دارد تا با توجه به شناختی که از شخصیت‌های گوناگون پیدا می‌کند، پی به انگیزه‌های خودآگاه و ناخودآگاه مجرمان برده و علل ارتکاب جرم را شناسایی نماید.

دیگر وقت آن رسیده که حقوق کیفری به بررسی مجرد بزه که مستقل از شخص بزهکار است، اکتفاء نکند بلکه شخصیت و منش بزهکار را مطمئن نظر قرار دهد و اوضاع شخصی از قبیل وضعیت جسمانی، روانی و کلیه عوامل موثر در تکوین شخصیت را مدنظر قرار داده و به مجریان عدالت گوشزد کنیم که در راستای توجه به شخصیت مجرم گام بردارند نه اعتراف گرفتن از متهم. قضاوتی که بر پایه شناخت سطحی باشد به خطا می‌انجامد: حق را باطل، باطل را حق، بیگناه را گناهکار و مجرم را بیگناه جلوه می‌دهد. حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: قاضی «در قضایا به آنچه در وهله نخستین و نظر سطحی بفهمد اکتفاء نکند از کاوش در اعماق حقایق باز نایستد»^۲.

امروزه دیگر نمی‌توان از قاضی انتظار داشت که به تطبیق عمل مجرمانه بر ماده قانونی و تعیین کیفر اکتفاء کند. او باید شخصیت مجرم و محیط نشو و نما و تکوین شخصیت او را از جهات مختلف در نظر بگیرد و دریابد ناکامی و سقوط او مولود چه عواملی بوده است. قاضی کیفری اگر پس از مطالعه سوابق متهم، به صدور حکم بپردازد می‌توان گفت که رای او با توجه به شخصیت متهم بوده و از فرمان الهی تبعیت نموده است. (کی‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۲).

به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرم از وظایف قوه قضائیه محسوب می‌شود، روانشناسی جنایی در تحقق بخشیدن به بند ۵ اصل ۱۵۶ سهم به سزایی ایفا می‌نماید چرا که پیشگیری از جرم، مستلزم شناخت عوامل موثر در تکوین جرم است و بدون پی بردن به علل و انگیزه‌های موثر در ارتکاب جرم، قادر به امحای عوامل جرم‌زا نیستیم و اصلاح و درمان مجرم نیز مستلزم شناخت منش و شخصیت مجرم می‌باشد. لذا از طریق توسل به آموزه‌های روانشناسی می‌توانیم به شناسایی شخصیت جنایی پرداخته و در راستای تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت در راستای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین گام برداریم.

روانشناس به دنبال فهم انگیزه ارتکاب بزهکاری و تاثیر عوامل درون فردی و برون فردی در جنایت و تعیین میزان خطر مجرم برای سلامت روانی جامعه است. نقش روانشناسی در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شده که مجرمان را نه تنها از زاویه قضایی، بلکه از دیدگاه انسانی نیز مورد نظر قرار دادند و به جای آنکه به قضاوت درباره جرم به عنوان یک عمل مجزا بنشینند به بررسی تمام شخصیت مجرم پرداختند. (دادستان، ۱۳۸۷).

از آنچه گفته شد درمی‌یابیم که از طریق بهره‌مند شدن از علم روانشناسی است که قاضی می‌تواند به قسمت ناشناخته و عمق وجود انسان پی برده و به شناخت شخصیت مجرمین نائل گردد. چرا که تبیین رفتار انسان جز از طریق شناخت شخصیت وی ممکن نیست. لذا در راستای تحقق دادرسی عادلانه، مجریان دستگاه قضا باید با مدد گرفتن از علم روانشناسی جنایی سعی در شناخت شخصیت بزهکار

^۱: Gordon-Allport

^۲: «... ولا یکنفی باندی فهم دون اقضاء...» از فرمان حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر درباره قاضی

داشته و محرکات اعمال و رفتار جنایی مجرم را درک نموده و متناسب با ویژگی‌های شخصیتی بزهکار برای وی مجازات تعیین نمایند. چرا که بحث در زمینه شخصیت جزء لوازم دادرسی عادلانه محسوب می‌شود.

در پژوهش حاضر توجه به شخصیت مجرم از منظر آموزه‌های روانشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به نقش روانشناسی در شناسایی شخصیت جنایی، فلسفه توجه به شخصیت مجرم از منظر آموزه‌های روان‌شناسی، کاربرد روانشناسی جنایی در فرایند دادرسی پرداخته می‌شود.

فلسفه توجه به شخصیت مجرم از منظر آموزه‌های روانشناسی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حقوق کیفری، بحث تعیین مجازات یا چگونگی توزیع آن است. دو اصل حاکم بر چگونگی تعیین مجازات، اصل تناسب مجازات با جرم و اصل تناسب مجازات با مجرم می‌باشد. اصل اول ملهم از مفاهیم استحقاق و سزادهی است. سزادهی اقتضاء می‌کند هر کس متناسب با شدت جرم خود مجازات شود؛ جرم سبک، مجازات سبک و جرم سنگین، مجازات سنگین. تناسب جرم و مجازات که رویکردی جرم محور است، در اواخر قرن نوزدهم تا حدود زیادی جای خود را به رویکرد مجرم محور داد که مطابق آن، مجازات نه تنها باید با جرم متناسب باشد، بلکه تناسب آن با شخصیت مجرم نیز ضروری است. تاکید این اصل بر تفاوت‌های رفتاری، شخصیتی و وراثتی در افراد است که ضرورت تفاوت در اجرای مجازات‌ها برای آن‌ها را اجتناب ناپذیر می‌سازد و نیز قائل بودن به این امر که اجرای واقعی عدالت و انصاف قضایی که مهم‌ترین هدف حقوق کیفری محسوب می‌شود، با تاکید بر تساوی افراد در برابر قانون میسر نبوده و در این راستا باید به تفاوت انسان‌ها در مسئله‌ی تعیین مسوولیت کیفری اهمیت داده شود. (کاظمی و زررخ، ۱۳۹۱: ۴۵).

انسان‌ها تفاوت‌های آشکاری در شخصیت، منش و رفتار با یکدیگر دارند. آگاهی از این تفاوت انسانها و گوناگونی شخصیت‌ها و عوامل موثر بر این تفاوت‌ها، کار چندان مشکلی نیست. کافی است به واکنش‌های کاملاً متنوع و متفاوت افراد در برابر یک پدیده، رویداد و اتفاق واحد توجه کنیم. این تفاوت‌ها از تفاوت در منشاء و مبدا رفتار، یعنی تغییر و تنوع در استعدادها و انگیزه‌ها، اوضاع و احوال، سوابق، شخصیت و شرایط خاصی که افراد در آن واقع می‌شوند، ناشی می‌شود. این تغییرات و تفاوت‌ها در نتیجه تاثیر عواملی است که گاه از درون و جسم افراد منشاء می‌گیرد و گاه دارای منشاء بیرونی و مربوط به محیط زیستی و اجتماعی انسان است (کی‌نیا، ۱۳۷۳).

این تفاوت در انسان‌ها تا حدی می‌تواند توجیه‌کننده تفاوت در واکنش در برابر اعمال مجرمانه که متاثر از ویژگی‌های مختلف روانی و رفتاری آنان است، نیز باشد.

روانشناسی جنایی با مطالعه رفتار مجرمانه و خصوصیات و ویژگی‌های مجرمین، در شاخه بالینی به درمان بزهکاران می‌پردازد؛ در ارائه شیوه‌های تربیتی در اصلاح و بازسازی مجرمین در زندانها، و در ارائه خدمات به دادگاهها توسط کارشناسان روان‌شناسی کاربرد دارد. مراکز و انجمن‌های روان‌شناسی در بخش مهمی از برنامه‌های خود رفتارهای مجرمانه را مورد بررسی قرار می‌دهند. به همین ترتیب علم روانشناسی در عملکرد نظام عدالت قضایی، تعیین ویژگی‌های شخصیت مجرمین و صدور حکم متناسب با شخصیت مجرم کاربرد دارد. در ابعاد فردی بزهکار، روانشناسی درصدد است تا با تبیین رفتار مجرمانه بزهکار، تعیین علل و عوامل روانی جرم، بیوگرافی و تاریخچه زندگی مجرم، درجه خطرناک بودن مجرم و ارائه روش‌های درمانی و اصلاحی روان‌شناختی بپردازد. (رستمی، ۱۳۹۳: ۲۰). استفاده از تحقیقات و نظریات متخصصین فنی، پزشکی، روانشناسی کیفری و روان‌پزشکی جهت شناخت مجرم ضروری است و تنها از این طریق است که امر تشخیص یعنی کشف ارتباط میان ساختمان فکری مجرم، رشد عاطفی و زیستی و جرم ارتكابی امکان‌پذیر است. (ایبراهیمسن، ۱۳۷۱).

از طریق آموزه‌های روانشناسی جنایی می‌توانیم به شناخت شخصیت بزهکار و انگیزه‌های موثر در وقوع جرم اشراف پیدا نمود و در تبیین رفتارهای جنایی به تفاوت رفتار مجرمین توجه نمود و متناسب با تفاوت‌های شخصیتی افراد در مورد وی تصمیم‌گیری نماییم چرا که تفاوت در ویژگی‌های شخصیتی افراد موجب تفاوت در رفتارهای آنها می‌شود. با توجه به اینکه مقابله موثر و کارآمد با رفتار جنایی و تکرار جرم مستلزم شناخت همه جانبه ابعاد شخصیتی مجرم می‌باشد، متوسل شدن به علم روانشناسی جنایی می‌تواند سیستم قضایی

را در تعیین انگیزه ارتکاب جرم، شناسایی عوامل موثر در تکوین جرم و شیوه‌های جامعه‌پذیری و اصلاح مجرمان یاری نماید. چرا که اطلاعات به دست آمده توسط روانشناسی جنایی می‌تواند متولیان امور کیفری را تغذیه نماید.

با توجه به پیچیدگی‌های رفتار انسانی باید گفت بدون یاری گرفتن از روانشناسی جنایی، شناخت انگیزه‌های مجرم ممکن نیست. از طریق یافته‌های روانشناسی می‌توانیم به درجه اصلاح‌پذیری، ظرفیت جنایی و ناسازگاری اجتماعی مجرمین واقف گردیم و شیوه‌های کارآمد جهت اصلاح و درمان مجرمین بکار ببندیم و درصد سازگار نمودن بزهکار با هنجارهای اجتماعی باشیم و با در نظر گرفتن اقدامات حمایتی سعی در سالم سازی مجرمین داشته باشیم. لذا فلسفه توجه به شخصیت مجرم از منظر آموزه‌های روانشناسی را می‌توان در شناسایی شخصیت جنایی و عوامل و انگیزه‌های جنایی، پیشگیری از مزمن شدن بزهکاری و بازسازی و اصلاح و درمان مجرمین جستجو نمود.

نقش روانشناسی در شناسایی شخصیت جنایی و تحلیل رفتار بزهکار

شناخت شخصیت جنایی و تحلیل رفتار بزهکار، امری است که در برهه‌های زمانی مختلف دارای مفهوم بوده و امروزه نیز در روانشناسی جایگاهی ویژه دارد. شخصیت جنایی اصطلاحی است که در علم روانشناسی جنایی جایگاه ویژه‌ای دارد. روان‌شناختی جرم، در تلاش است تا حالات روانی را بر رفتار مجرمانه مورد بررسی قرار دهد و قصد بر آن دارد تا پیچیدگی‌های رفتار انسان را درک کند و به تشخیص گرایشهای رفتار ضد اجتماعی و آمادگی فرد برای ارتکاب جنایت یا تکرار جرم و سیر تکوینی جرم از مرحله بالقوه تا بالفعل را بررسی نماید. بدون شک بازسازی اجتماعی مجرمین و بازگشت موفقیت‌آمیز وی به یک زندگی سعادت‌مندانه بدون شناخت ناکامیهای روانی مجرمین ممکن نیست. به منظور اتخاذ سیاست جنایی کارآمد و مفید نیازمند شناسایی شخصیت جنایی و حالت خطرناک افراد هستیم. با مدد گرفتن از علم روانشناسی می‌توانیم به شناسایی شخصیت جنایی مجرمین پرداخته و به تحلیل رفتار و محرکات هر مجرم پرداخته و متناسب با ظرفیت جنایی و درجه اصلاح‌پذیری وی برنامه مناسب در راستای پیشگیری از مزمن شدن بزهکاری و پیشگیری از تکرار جرم در نظر بگیریم.

تکوین شخصیت جنایی در چیزی متبلور است که تحت عنوان بلوغ بزهکاران ثابت، معروف است؛ یعنی موقعی که بزهکاران مزبور به بلوغ جنایی می‌رسند و نسبت به بزهکاری، نگرشی کلی و روش خاص در شیوه عملکرد خود انتخاب می‌نمایند و به نحوی بروز پیدا می‌کند که گویی امر بزهکاری در شخصیت آنان تمام و کمال جا گرفته است و هیچ بحرانی آن را متزلزل نمی‌کند. (گورف، ۱۳۸۲: ۱۶۱)

بنابراین شخصیت جنایی حالتی است که فرد در جستجوی اوضاع و احوالی است که به طرد هنجارها و ارزشهای حاکم در جامعه می‌انجامد. بدین سان می‌توان گفت مظهر شخصیت جنایی کسی است که قبح اعمالش را درک نمی‌کند و از هیچ مجازاتی نمی‌هراسد و حتی در زمان ارتکاب جرم، به ضمانت اجرای کیفری که از آن آگاه است، نمی‌اندیشد؛ از موانع موجود در جامعه ابایی ندارد، به دلیل آنکه عاطفه و مهربانی ندارد. لذا از خدشه دار کردن به دیگران ابایی نداشته و حتی از این کار لذت هم می‌برد. این دیدگاه که اوج تحقیقات گذار از اندیشه به عمل مجرمانه است، برای اولین بار توسط ژان پیناتل مطرح گردید. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲-۱۳۸۳: ۱۳۸۱).

این دیدگاه که اوج تحقیقات گذار از اندیشه به عمل مجرمانه می‌باشد، برای اولین بار در سال ۱۹۶۳ در قالب نظریه شخصیت جنایی توسط جرم‌شناس فرانسوی ژان پیناتل^۱ مطرح گردید. وی معتقد است بین بزهکاران و افراد غیر بزهکار از نظر ماهوی تفاوت وجود ندارد. این درست خلاف نظریه‌ای بود که به موجب مکتب تحقیقی مطرح می‌شد که در آن بزهکار از نظر سرشت و ساختمان با فرد عادی و غیر بزهکار تفاوت ماهوی داشت. در حالی که در نظریه پیناتل بین بزهکار و غیر بزهکار تفاوت اساسی نیست. به نظر او همه انسانها یک هسته مرکزی شخصیت دارند که در همه آنها این هسته مرکزی شخصیت، امکان اینکه جنبه جنایی نیز به خود بگیرد را دارد. در نظریه شخصیت جنایی، ابعادی مورد بررسی قرار می‌گیرند که به فرد اجازه می‌دهد تا از اندیشه مجرمانه به بستر عمل درآید. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۰-۱۳۷۹: ۸۲۳).

شخصیت جنایی یک هسته دارد که خود دارای چهار متغیر (عنصر) است هرگاه یک یا دو متغیر و یا همه آنها به فعل درآیند و فعال گردند، ما شاهد گذار از اندیشه به عمل و فعلیت یافتن عمل مجرمانه هستیم. این متغیرها پیرامون شخصیت مرکزی به فعل و انفعال مشغول اند، وقتی یک یا دو تا از آنها پر رنگ شود با فعل مجرمانه روبه رو می‌شویم. این چهار متغیر عبارتند از: ۱- متغیر خودمحور بینی یا خودبینی ۲- متغیر بی ثباتی روانی ۳- متغیر پرخاشگری ۴- متغیر بی اعتنائی عاطفی

هر یک از این متغیرها در صورت فعال شدن سبب رفع یکی از موانعی که در مسیر ارتکاب جرم وجود دارد می‌شوند به این ترتیب که ۱: متغیر خودبینی باعث می‌شود، فرد به حقوق دیگران احترام نگذارد و به دیگر بینی توجهی نداشته باشد و خود را مرکز منافع قرار دهد. این متغیر موجبات نقض حقوق دیگران را فراهم می‌آورد. ۲: متغیر عدم استمرار ثبات روانی، موجب می‌گردد تا مجرم در هنگام ارتکاب جرم دورنمای بازدارنده مجازات را که نقش مانع دارد، در ذهن خود محو نماید و این محو، مساوی با ارتکاب جرم است. زیرا صرف مجازات در قانون جزا و تصویر اجرای آن جنبه بازدارنده دارد و متغیر بی ثباتی روانی باعث محو این مانع می‌شود. ۳: متغیر پرخاشگری به بزهکار اجازه می‌دهد تا موانع مادی و فیزیکی را که در راه ارتکاب جرم وجود دارد نادیده گرفته و بر آنها فائق آید. ۴: متغیر بی اعتنائی عاطفی به فرد مجرم اجازه می‌دهد که اندیشه مجرمانه خود را تا اتمام آن اندیشه، دنبال کند و هیچ مانعی موجب انصراف او از ارتکاب جرم نشود. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۴-۱۳۷۳: ۱۸۶).

صفاتی که مولفه‌های هسته مرکزی شخصیت جنایی را تشکیل می‌دهد معیار تشخیص بزهکار از ناکرده بزه است. ناکرده بزه فاقد هسته مرکزی شخصیت جنایی است. گفتنی است که مجموعه هر چهار صفت برای وقوع بزه ضروری است و هر یک به تنهایی نقش قاطعی ندارد و اجتماع آنهاست که به شخصیت جهت می‌دهد و می‌توان وجود شخصیت جنایی را تایید کرد. پرفسور ژرژ هویر ارکان تشکیل دهنده حالت خطرناک را چنین برشمرده است: اخافه ناپذیری، زیان بخشی، کمال پذیری، قابلیت انطباق مجدد اجتماعی. دو رکن نخست حالت خطرناک اخافه ناپذیری و زیان بخشی ظرفیت یا قابلیت مجرمانه شخص را بالا می‌برد و دو رکن کمال‌پذیری و قابلیت مجدد انطباق اجتماعی معرف سازش پذیری و جامعه پذیری را نشان می‌دهد (penatel, 1975: 656).

حالت خطرناک در جرم شناسی بالینی حالتی است که بر اثر اقتران عوامل جرم زا در شخص خاص وی را در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد. همچنین گفته شده است: حالت خطرناک وسوسه احتمالی است که در فرد بزهکار وجود دارد تا بدین ترتیب وی را به سوی ارتکاب جرم بکشاند. (بابایی، ۱۳۸۴: ۲۶)

همچنین حالت خطرناک عموماً «توانایی و استعداد آشکار یک فرد برای ارتکاب جرم» یا بالقوه‌گی (استعداد و ظرفیت) ضرر رسانی اجتماعی یک فرد تعریف شده است، و از دو رکن تشکیل می‌شود: ظرفیت یا استعداد جنایی شخص، یعنی نوع و میزان تباهی، احراف و فساد که از یک فرد می‌توان انتظار داشت (رکن منفی حالت خطرناک) و ظرفیت، استعداد یا قابلیت سازگاری شخص با جامعه، یعنی توانایی فرد برای اصلاح و تغییر رویه مجرمانه خود پس از ارتکاب جرم (رکن مثبت حالت خطرناک). ترکیب این دو رکن و شدت و ضعف آنها در بزهکار، حالت‌های خطرناک مختلفی را ایجاد می‌کند که بیانگر نوع و شدت حالت خطرناک فرد است. (بولک، ۱۳۸۲: ۱۰-۹)

از طریق توسل به علم روانشناسی و شناسایی شخصیت جنایی می‌توانیم نشانه‌های انحراف و کجروی در افراد را شناسایی نماییم و سعی در پر کردن خلاءهای عاطفی، روحی، تحصیلی و دوستی آنها نماییم و در راستای پیشگیری از جرم به ارتقای مهارت‌های تربیتی آنان بپردازیم. ویژگی‌های شخصیت جنایی حاکی از آن است که شخص در دوران کودکی از پرورش و تربیت صحیح برخوردار نبوده است و عدم توجه به این مهم سبب می‌گردد تا وجود مولفه‌های شخصیت جنایی در فرد او را در آستانه بزهکاری قرار دهد. در صورتیکه از طریق علم روانشناسی می‌توانیم به شناسایی شخصیت جنایی و تشخیص حالت خطرناک پرداخته و به ارزیابی میزان اصلاح پذیری وی پرداخته و از مزمن شدن بزهکاری وی جلوگیری به عمل آورد.

برخی ویژگی‌های شخصیتی، استعداد بالقوه فوق العاده‌ای را برای ارتکاب جرم در خود نهفته دارند که به محض ایجاد شرایط مناسب به فعل تبدیل می‌شوند. با مدد گرفتن از روانشناسی جنایی می‌توانیم به شناسایی شخصیت جنایی پرداخته و به ارزیابی میزان اصلاح پذیری افراد پرداخته و به تحلیل محرکات و رفتار بزهکار بپردازیم. قطعاً عدم توجه به شخصیت جنایی مجرم باعث گذار از اندیشه به

عمل مجرمانه می‌گردد. لذا استفاده از آموزه‌های روانشناسی در راستای تشخیص شخصیت جنایی موجب می‌شود از طریق تهیه برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت اصلاحی و درمانی از وقوع جرم و ارتکاب مجدد جرم جلوگیری به عمل آوریم و به دستگاه قضایی در راستای اتخاذ تصمیم‌گیری صحیح و ضمانت اجرای مناسب به منظور به حداقل رساندن ارتکاب جرم، کنترل بزهکاری و کاهش خطرهای متناسب با میزان خطر مجرمان یاری برسانیم. با توجه به اینکه تشکیل پرونده شخصیت جنایی برای بزهکار می‌تواند زمینه شناخت شخصیت مجرم، شناسایی شخصیت جنایی و حالت خطرناک را مهیا نماید و دستگاه قضایی را در صدور احکام عادلانه یاری نماید در ادامه مبحث به پرونده شخصیت جنایی بزهکار پرداخته می‌شود.

پرونده شخصیت جنایی بزهکار

در گذشته عقیده بر این بود که به جای بیمار می‌توان بیماری و به جای مجرم جرم را مورد بررسی و کنکاش قرار داد که صد البته این روش مغایر عقل و منطق می‌باشد چرا که جرم معلول علل مختلفی است و لذا از لحاظ علمی باید فرد مجرمین را به صورت مجزا مورد بررسی قرار داد و حتی به منظور محقق شدن عدالت در جرم واحد با توجه به تفاوتها و ویژگی‌های شخصیتی مجرم مجازات متفاوت اعمال نمود. همانگونه که عدالت اقتضاء می‌کند که افرادی که مرتکب جرم شده‌اند باید مجازات شوند باید به این موضوع نیز توجه شود که مجازات متناسب با وضعیت روانی، روحی، خانوادگی، اقتصادی مجرم در نظر گرفته شود. تردیدی نیست که تعیین کردن مجازات بدون در نظر گرفتن شرایط مجرم بذریع بدبینی و عداوت مردم نسبت به دستگاه قضا را در پی خواهد داشت.

مبارزه پر هزینه و بدون فایده با پدیده جرم بدون توجه به عامل جرم و تشخیص علت جرم باعث افزایش ارتکاب جرم و تکرار جرم از ناحیه مجرم می‌گردد. بنابراین لزوم مطالعه احوال بزهکار به منظور درمان فرد بزهکاران ضروری بوده و باید درمان برای هر بزهکاری با شخصیت او مطابقت نماید. آنچه بیش از همه چیز مهم جلوه می‌کند مطالعه همه جانبه شخصیت و اوضاع و احوال مجرم از طریق تشکیل پرونده شخصیت می‌باشد پس به طور جامع باید توسل به پرونده شخصیت و درمان انفرادی را سرمشق مبارزه با ارتکاب جرم دانست. (حکمت، ۱۳۷۰: ۱۹۸)

به منظور تعیین واکنش کیفری متناسب با شخصیت بزهکار آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد این است که چه نوع مجازاتی تعیین گردد تا تضمین کننده دفاع اجتماعی و باز اجتماعی کردن بزهکار گردد. برای نیل به این منظور قطعاً باید مقام قضایی قبل از اتخاذ تصمیم به خصوصیات و ویژگی‌های و کلیه ابعاد شخصیتی بزهکار واقف گردد تا بتواند مجازاتی متناسب و منطبق با شخصیت بزهکار تعیین نماید. به همین جهت باید برای هر بزهکار پرونده شخصیت تشکیل داد تا مقام قضایی از طریق بررسی و مطالعه این پرونده با توجه به شرایط و اوضاع و احوال متهم از نظر وضعیت شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی، روانی به تعیین مجازاتی متناسب که تأمین کننده هدف اصلاح و تربیت مجرم باشد بپردازد.

وضعیت اجتماعی و خانوادگی متهم و نحوه گذراندن دوران کودکی، دوره تحصیل و اشتغال، علاقه و دلبستگی به فعالیت، دوستان و محیط‌هایی که متهم به نوعی اجباری یا اختیاری در آن به سر برده است، تماماً سوابق اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهند. محکمه رسیدگی کننده برای دسترسی به سوابق بزهکار باید به تحقیق درباره مسایل خانواده، نقش وراثت، محل تحصیل و غیره بپردازد.

در خصوص سوابق پزشکی و بیماری نیز به دلیل اینکه وضعیت جسمانی و سوابق بیماری فرد در شکل‌گیری شخصیت او بی‌تأثیر نیست، بی‌اعتنایی به این مهم، قاضی را از تصمیم‌گیری شایسته و عادلانه دور خواهد ساخت. لذا تنها از طریق پرونده شخصیت است که امکان بررسی و اشراف بر سوابق بیماری بزهکار شامل: تحقیق از سوابق والدین و خود بزهکار از نظر ابتلاء به بیماری‌های روانی، سابقه بستری شدن متهم در بیمارستان روانی، نقص عضو، ورود صدمه و جراحت، اعتیاد به الکل و مواد مخدر آگاه شد و مجازاتی منطبق با ویژگیهای شخصیتی بزهکار در راستای اعمال عدالت کیفری تعیین نمود. (بابایی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

پرونده شخصیت جنایی بزهکار در منابع مختلف علوم جنایی و با دیدگاهی روان‌شناختی در طی چند دهه اخیر مورد بحث قرار گرفته است. تشکیل پرونده شخصیت جنایی از موارد مهم کاربرد روان‌شناسی در علوم جنایی بوده و در ابعاد متعددی از فرایند جنایی

مانند شناسایی بزهکار، تعیین الگوهای رفتاری بزهکاران، تعیین واکنش‌های متناسب در برابر مجرم با توجه به ماهیت جرم و شیوه‌های مناسب اصلاح و درمان مجرم به پیشرفت علوم جنایی کمک می‌کند. (Copson and Holloway, 1997)

پرونده شخصیت جنایی، به منظور انتخاب شیوه‌های صحیح اصلاح و درمان بزهکار جهت پیشگیری از تکرار جرم، استفاده از سوابق مجرم در دادگاه جهت صدور حکم متناسب با شخصیت بزهکار و استفاده از سوابق کیفری متهم در مراحل بازرسی و بازپرسی (در مواردی که متهم دارای سابقه جنایی می‌باشد) مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا پرونده شخصیت جنایی بزهکار می‌تواند در دو بعد مهم در فرایند جنایی به کار گرفته شود:

۱: در مواردی که جرمی مهم ارتکاب یافته و پلیس، مقامات دادسرا، قضات و مراجع اجرای حکم درصدد بر می‌آیند تا با شناسایی شخصیت مجرم، ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی او، واکنش‌های اجتماعی بر علیه وی را تنظیم و متناسب نمایند.

۲: در مواردی که جرمی مهم ارتکاب یافته، لیکن مجرم توسط پلیس کشف و شناسایی نشده است. در چنین مواردی پلیس با استفاده از پرونده‌های شخصیت جنایی مجرمین سابقه‌دار، سعی در شناسایی مجرم براساس سوابق و پیشینه‌های اطلاعاتی موجود و تطبیق آنها با ویژگی‌های جرم ارتکابی می‌پردازد. (Jackson and Bekerian, 1997)

تحقیقات مربوط به استفاده از واکنش‌های اجتماعی در کاهش تکرار جرم بر اهمیت ارزیابی سوابق روحی، زیستی و اجتماعی، در تعیین نوع، روش و کیفیت درمان و اصلاح بزهکاران دلالت می‌نماید. کارایی تدابیر اصلاح و درمان باید در ارتباط با فاکتورهای خطری که در تاریخچه زندگی بزهکار وجود دارند، ارزیابی شوند. چنین توانمندی می‌تواند تضمین‌کننده مواجهه موفقیت‌آمیز الگوهای درمان با مشکلات چندگانه بزهکاران باشد. (Jackson and Bekerian, 1997)

از آنجایی که از ضروریات یک دادرسی عادلانه، توجه به شخصیت مجرم است، در جهت پی بردن به عوامل موثر در تکوین شخصیت مجرم و اشراف بر ویژگی‌های خانوادگی، روحی، روانی مجرم ضرورت تشکیل پرونده شخصیت توجیه می‌گردد. چرا که به منظور تشکیل چنین پرونده‌ای یک گروه از متخصصین روانشناسی، روانپزشکی و مددکاران اجتماعی به مطالعه گسترده و عمیق شخصیت مجرم پرداخته و نتایج حاصل از مطالعات خود را در پرونده شخصیت درج می‌نمایند. لذا پرونده شخصیت همچون چراغی روشن در راستای اصلاح و درمان و حفظ کرامت انسانی به فردی کردن مجازات منجر گردد و زمینه ساز اصلاح و درمان منطقی و متناسب با شخصیت هر مجرم را فراهم می‌نماید. قطعاً وجود پرونده شخصیت منجر به دسترسی به نارسائی‌هایی است که مجرم را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است و شناخت شخصیت جنایی را تسهیل می‌نماید و با اطلاعاتی که در مورد ویژگی‌های زیستی، روانی و اجتماعی مجرمین در اختیار دستگاه قضایی قرار می‌دهد، دستگاه قضایی را در شیوه‌های پیشگیری از جرم توانمند ساخته و زمینه اتخاذ تدابیر معقولانه در راستای سالم سازی و اصلاح و درمان مجرم فراهم می‌نماید.

توجه به شخصیت مجرم در آموزه‌های روانشناسی بسیار حائز اهمیت است. لذا روانشناس سعی بر آن دارد تا با بزهکار یک ارتباط روان شناختی برقرار نماید و قبل از اینکه او را یک مجرم بداند او را یک بیمار قلمداد می‌کند و درصدد است تا با پی بردن به شخصیت مجرم و علل و انگیزه‌های ارتکاب جرم، مشکل وی را مرتفع نماید که در واقع رفتار روانشناس هم جنبه درمانی دارد و هم جنبه پیشگیرانه دارد. با توسل به پرونده شخصیت و بررسی ابعاد شخصیتی بزهکار و بهره‌مند شدن از نظرات روانشناسان، روان پزشکان و مددکاران اجتماعی است که می‌توان به هدف اصلی از اعمال مجازات که همانا بازسازگار نمودن بزهکار و بازگشت مجرم به جامعه امیدوار بود. همانگونه که پزشک نیز درمان بیمار را متناسب با نوع بیماری تعیین می‌کند، مراجع قضایی نیز باید براساس شخصیت مجرم حکم صادر کنند. با بهره گیری از آموزه‌های روانشناسی و توجه به شخصیت مجرم می‌توان در راستای اهداف سیاست کیفری صحیح و صدور حکم عادلانه منطبق با ویژگی‌های شخصیتی مجرم گام برداشت.

کاربرد روانشناسی جنایی در فرایند دادرسی کیفری

با وجود اینکه روانشناسی جنایی یکی از شاخه‌های رشته روانشناسی است اما می‌توان آن را یک دانش میان رشته‌ای تلقی نمود که از لحاظ دامنه کاربرد در دادگاهها، سازمان زندانها، پلیس جنایی و پزشکی قانونی کاربرد دارد. انریکو فری (۱۸۵۶-۱۹۲۹) جرم شناس

ایتالیایی به چند رشته جدید اشاره می‌کند که تا حدودی متمایز از روان‌شناسی جنایی هستند ولی به دلیل همسویی با یکدیگر زیر یک چتر قرار می‌گیرند که عبارتند از روان‌شناسی قضایی (دادگاهی)، روانشناسی زندانبانی و روانشناسی قانونی. اگر چه این چهار مفهوم تقریباً مترادف یکدیگر هستند، لیکن علاوه بر هدف مشترکی که با هم دارند، هر کدام زمینه تخصصی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند؛ روان‌شناسی قضایی محدوده وسیع‌تر و وظایف بیشتری نسبت به بقیه دارد؛ شاکی، متهم، قاضی، وکیل مدافع، شاهدان عینی، هیئت منصفه، حضار و پیش از همه این‌ها بازجویی و بازپرسی از متهم را نیز در دستور کار خود دارد؛ به نحوی که می‌توان گفت سه شاخه دیگر زیر مجموعه روانشناسی قضایی هستند. روانشناسی جنایی بیشترین تمرکز و مطالعه خود را بر روی انگیزه ارتکاب جرم صرف می‌کند. روانشناسی زندانبانی به دلیل محکومیت مجرم، از او سلب آزادی می‌کند تا با نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت فرصت ویژه‌ای برای اصلاح و بازسازگاری در اختیار او قرار گیرد. روان‌شناسی قانونی صادرکننده حکم نهایی با در نظر گرفتن عوامل روان‌شناختی جرم و موقعیت فرد مجرم است. (برجلی و عبدالمالکی، ۱۳۹۰: ۱۵).

روان‌شناسی قانونی عبارت است از روان‌شناسی در حوزه امور حقوقی و کیفری می‌باشد، لیکن روان‌شناسی در عمل بیشتر در امور کیفری و آیین دادرسی کیفری کاربرد دارد. عموم مردم از پلیس و نیروهای انتظامی انتظار دارند با اعمال تکنیک‌های روان‌شناختی مجرمین واقعی را شناسایی نموده و وقایع جنایی را درک و تبیین کنند. روان‌شناسی پلیس، شاخه‌ای از روان‌شناسی قانونی است که به بهبود عملکرد و وظایف پلیس در تحقیقات جنایی، مصاحبات و بازجویی‌ها و تشکیل پرونده شخصیت مجرمین کمک شایانی می‌کند. روان‌شناسی قانونی، همچنین مورد استفاده وکلا، قضات، روان‌کاوان و روان‌شناسان قانونی و همه افرادی است که با رفتارهای مجرمانه سروکار دارند. روان‌شناسی قانونی در تبیین رفتار مجرمانه نقش موثر داشته و می‌تواند با دسترسی به افکار و اندیشه‌های مجرمین در اصلاح، بازسازی شخصیت و ترمیم فرایند فکر و اندیشه آنان ورود پیدا کند. (Wicks, 1974: 15-16)

از آنچه گفته شد در می‌یابیم که روانشناسی جنایی از طریق داده‌هایی که از طریق فعالیت در سه حوزه روانشناسی قضایی، قانونی و زندانبانی به دست می‌آورد، نقش تسهیل‌کننده برای قضات دارد و به نحو غیر مستقیم در تصمیم‌گیری‌های آنان مشارکت می‌جوید و قاضی را از پیش داوری برحذر نموده و وی را در رسیدن به حقیقت و صدور حکم منصفانه و عادلانه یاری می‌رساند.

روانشناسی در فرایند جنایی و در کلیه مراحل مختلف رسیدگی، مانند کشف جرم توسط پلیس، تحقیقات پلیس و دادسرا، در مرحله دادرسی و صدور حکم جنایی در دادگاه و در اجرای حکم بسته به نوع مجازات، کاربرد دارد. در انگلستان دادسرا مکلف است وضعیت روانی، جسمی، بهداشتی بزهکار را گزارش دهد تا با تعیین میزان مسئولیت کیفری در حین ارتکاب جرم، میزان خطرناک بودن بزهکار بر مبنای ماهیت جرم ارتكابی، شرایط ارتکاب جرم و سابقه کیفری و یا تکرار جرم بتواند به قاضی در صدور حکم کیفری یاری برساند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنجایی که جرم به عنوان یک پدیده دائمی در جامعه در حال وقوع است باید گفت که عوامل درونی و بیرونی در تکوین جرم موثرند. لذا عکس‌العمل انسانها متناسب با ویژگی‌های شخصیتی آنها و تحت تاثیر عوامل جسمانی، روحی و روانی و اجتماع است. بنابراین تعیین مجازات بدون توجه به شخصیت مجرم و عوامل موثر در تکوین جرم، دستگاه قضایی را از صدور حکم عادلانه و اصلاح و بازسازگاری اجتماعی مجرم باز می‌دارد. با توجه به اینکه رفتار انسان برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی افراد است، نیازمند شناخت ماهیت شخصیت افراد هستیم چرا که شناخت سازمان شخصیت این امکان را فراهم می‌نماید تا نسبت به افراد مختلف متناسب با ساختار شخصیتی آنها موضع‌گیریهای متفاوتی داشته باشیم. یکی از اساسی‌ترین موضوعات علم روان‌شناسی، شخصیت است و بررسی پیرامون شخصیت انسان قدمتی به اندازه طول عمر انسانها دارد. روان‌شناسی جنایی با تکیه بر اصول روان‌شناسی، سعی در شناخت شخصیت مجرم دارد و به بررسی علل و انگیزه‌های موثر در رفتار جنایی می‌پردازد و نقش برجسته‌ای در پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان دارد. لذا از منظر آموزه‌های روان‌شناسی توجه به شخصیت مجرم بسیار حائز اهمیت بوده و زمینه را برای شناسایی حالت خطرناک مجرمان، میزان خطرناک بودن بودن بزهکار بر مبنای ماهیت جرم ارتكابی، اعتلای سطح بینش قضات، اتخاذ تصمیمات شایسته و منطبق با ابعاد شخصیتی مجرمین در جهت پیشگیری از تکرار جرم و بازگرداندن مجرمان به اجتماع فراهم می‌نماید. علم روان‌شناسی در کلیه مراحل دادرسی

کیفری از جمله کشف جرم، مرحله دادرسی و صدور حکم و در اجرای حکم کاربرد دارد و سیستم قضایی کشور را در تعیین انگیزه ارتکاب جرم، چگونگی معالجه و درمان مجرمین خطرناک، اداره زندانها و موسسات بازپروری مجرمین و گسترش فهم متولیان امور کیفری از مجرمان یاری می‌رساند. با توجه به مطالب ارائه شده، راهکارها و پیشنهادهایی جهت ارتقای نظام قضایی و در راستای تحقق دادرسی عادلانه ذکر می‌گردد:

- تقویت دانسته‌ها و آموزه‌های روان‌شناسی دست اندرکاران عدالت کیفری در جهت توانمند سازی نهادهایی که به نحو موثری در امر شناخت شخصیت بزهکاران به فعالیت می‌پردازند، به منظور اتخاذ روشهای تربیتی، درمانی در مراحل مختلف تحقیق، تعیین مجازات و صدور حکم.

- تغذیه متولیان امور کیفری از طریق یافته‌های متخصصین روانشناسی در راستای شناسایی شخصیت جنایی و در نظر گرفتن برنامه‌های درمانی، اصلاحی متناسب با میزان درجه اصلاح پذیری آنان.

- تقویت نیروهای متخصص در حوزه روان‌شناسی جنایی به منظور مساعدت مرتجع کیفری در راستای مقابله و پیشگیری از جرم.

- بهره‌مندی از روان‌شناسی در حوزه‌های قانون گذاری در تنظیم قوانین کاربردی و کارآمدتر و کمک به نظام عدالت کیفری در چگونگی اجرای قوانین به نحوی که تضمین کننده حقوق فردی و مصالح اجتماعی باشد.

- ارتقاء وضعیت مجرمین با توجه به آموزه‌های روان‌شناسی و سعی در مرتفع نمودن عوامل اجتماعی مولد جرم.

- تغییر نگرش از نگاه مجرد نگر صرف به بزه به توجه به شخصیت مجرم و درک محرکات اعمال و رفتار جنایی مجرم.

- بهره‌گیری از آموزه‌های روان‌شناسی در راستای اهداف سیاست کیفری صحیح و صدور حکم عادلانه و منطبق با ابعاد شخصیتی مجرم.

- شناخت علل و انگیزه‌های موثر در وقوع جرم با توسل به علم روان‌شناسی جنایی و بکارگیری تمهیدات و سازو کارهای لازم در راستای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرایم و امحای زمینه‌های جرم‌زا.

منابع

۱. آشوری، محمد؛ عظیم زاده، شادی (۱۳۹۲). جایگاه پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۴۳ (۱)، ۱۹۵-۲۱۳.
۲. ایبراهیمسن، دیوید (۱۳۷۱). روان‌شناسی کیفری. ترجمه پرویز صانعی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۳. بابایی، محمد علی (۱۳۸۴). جرم‌شناسی بالینی تحولات مفهوم حالت خطرناک. تهران: انتشارات میزان.
۴. برجعلی، احمد؛ عبدالملکی، سعید (۱۳۹۰). روان‌شناسی جنایی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۵. بولک، برنار (۱۳۸۲) کیفرشناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. تهران: انتشارات مجد.
۶. توزنده جانی، حسن؛ اکبری، بهمن؛ ابوالقاسمی، شهنام (۱۳۸۷). درآمدی بر روان‌شناسی عمومی. ج. ۱. تهران: انتشارات میزان.
۷. حکمت، سعید (۱۳۸۷). روانپزشکی کیفری. تهران: انتشارات گوتنبرگ.
۸. دادستان، پریخ (۱۳۸۷). روان‌شناسی جنایی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۹. رستمی تبریزی، لمیاء (۱۳۹۳). روان‌شناسی جنایی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۱۰. کاظمی، سید سجاد؛ زرخ، احسان (۱۳۹۱). تبلور قاعده انصاف در اصل فردی کردن مجازات‌ها. نشریه تعالی حقوق. ۴ (۱۶)-۱۷، ۶۱-۴۵.
۱۱. کی نیا، مهدی (۱۳۷۳). مبانی جرم‌شناسی. ج. ۱. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. کی نیا، مهدی (۱۳۸۴). روان‌شناسی جنایی. ج. ۱. تهران: انتشارات رشد.
۱۳. گورف، فرانسوا (۱۳۸۲). روانشناسی قضایی. ترجمه محمد حسین سروری، ج. ۱. تهران: انتشارات نگاه.
۱۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۳-۱۳۷۴). تقریرات درس جرم‌شناسی (نظریه‌های جرم‌شناسی). تهیه و تنظیم فاطمه قناد. قم: مجتمع آموزش عالی قم.
۱۵. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۰-۱۳۷۹). تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری). تهیه و تنظیم محمد علی بابایی قم: مجتمع آموزش عالی قم.
۱۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۱-۱۳۸۲). تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری). به کوشش مهدی سیدزاده. قم: مجتمع آموزش عالی قم.

17. Copson, G. & Holloway, K. (1997). Offender profiling. *Annual Conference of the British Psychological Society Division of Criminological and Legal psychology*. England: Cambridge.

18. Jackson, J.L. & Bekerian, D.A. (1997). Does offender profiling have a role to play? J.L. Jackson and D.A. Bekerian (Eds.). *Offender Profiling: Theory, Research and Practice*. Chichester: Wiley.

19. Penatel, J. (1975). *Criminologie, T.III du Traite de Droit Penai et de Criminology*. Y. Parpierre Bouzat et J. Penatel. Paris: Dazzol.

20. Wicks. R.J. (1974). *Applied Psychology for Law Enforcement and Corrections Officers*. New York: NY: McGraw-Hill.

References:

1. Ashouri, M. & Azimzadeh, Sh. (2013). The place of personality file in the process of preventing the stabilization of youth delinquency. *Law Quarterly Journal of the Faculty of Law and Political Science*. 43 (1), 213-195. (In Persian)
2. Babaei, M.A. (2011). *Clinical Criminology of Developments in the Concept of Dangerous Situation*, Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
3. Borjali, A. & Abdolmaleki, S. (2011). *Criminal Psychology*. Tehran: Payame Noor University. (In Persian)
4. Bulk, B. (2003). *Punishment*. Najafi Aberand abadi (Trans.). Tehran: Majd Publications. (In Persian)
5. Copson, G. & Holloway, K. (1997). Offender profiling. *Annual Conference of the British Psychological Society Division of Criminological and Legal psychology*. England: Cambridge.
6. Dadsetan, P. (2008). *Criminal Psychology*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT). (In Persian)
7. Gorphe, F. (2003). *Judicial Psychology*. Mohammad Hossein Sarvari (Trans.). Tehran: Negah Publications. (In Persian)
8. Hekmat, S. (1991). *Criminal Psychiatry*. Tehran: Gutenberg Publications. (In Persian)
9. Ibrahamsen, D. (1992). *Criminal Psychology*. Parviz Sanei (Trans.). Tehran: Ganje Danesh Publications. (In Persian)

10. Jackson, J.L. & Bekerian, D.A. (1997). Does offender profiling have a role to play? J.L. Jackson and D.A. Bekerian (Eds.). *Offender Profiling: Theory, Research and Practice*. Chichester: Wiley.
11. Kazemi, S. & Zar Rokh, A. (2012). Embodiment of the rule of equity in the principle of individualization of punishments. *Law Journal of Taalie-Hoghoogh*. 4 (17-16), 45-61. (In Persian)
12. Keynia, M. (1996). *Fundamentals of Criminology*. Vol. I. Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran. (In Persian)
13. Keynia, M. (2005). *Criminal Psychology*. Vol.1 Tehran: Roshd Publications. (In Persian)
14. Najafi Aberandabadi, A.H. (1996-1995). *Lectures on Criminology (Criminology Theories)*. Fatemeh Ghannad (Ed.). Qom: Higher Education Complex. (In Persian)
15. Najafi Aberandabadi, A.H. (2000-2001). *Lectures on Criminology (Prevention)*. Mohammad Ali Babaei (Ed.). Qom: Higher Education Complex. (In Persian)
16. Najafi Aberandabadi, A.H. (2002-2003). *Lectures on Criminology (Prevention)*. Mehdi Sayyedzadeh. (Ed.). Qom: Higher Education Complex. (In Persian)
17. Penatel, J. (1975). *Criminologie, T.III du Traite de Droit Penai et de Criminology*. Y. Parpierre Bouzat et J. Penatel. Paris: Dazzol.
18. Rostami, L. (2014). *Criminal Psychology*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Association. (In Persian)
19. Tuzandeh Jani, H.; Akbari, B. & Abolghasemi, Sh. (2008). *Prelude to General Psychology*. Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
20. Wicks. R.J. (1974). *Applied Psychology for Law Enforcement and Corrections Officers*. New York: NY: McGraw-Hill.

